

گفتگوی اختصاصی زن روز با مهناز رئوفی

یادداشت های سپید از روزهای سیاه

گفتگوی اختصاصی زن روز با مهناز رئوفی

www.Bahaismiran.com

قسمت اول

یادداشت های سپید از روزهای سیاه

در این شماره از زن روز به مصاحبه با بانوی جوان نو مسلمانی پرداخته شده است که در دامن یک خانواده بهایی به دنیا آمده و پرورش یافته ولی با عنایت و لطف خداوند توانسته است مسیر آگاهی را از تاریکی به انوار خورشید دانایی طی کند. بازتاب این روشنایی در نوشته هایش برای هدایت دیگر بهائیان همچون ردپایی از حقیقت باقی مانده است. آنچه می خوانید متن گفتگو با اوست...



pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!

به نام خدا

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

www.bahaismiran.com پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

با سلام

تدبیرو ورود شما دوستان گرامی که در راستای مبارزه با جهان کفر و اسلام ستیزانی همچون بهائیان گامهایی نو برداشته اید را تبریک گفته و از خداوند متعال پیروزی روز افزون شما را در این عرصه خواستار است.

درضمن این پایگاه (اینترنتی بهائیت در ایران www.bahaismiran.com) آمادگی کامل همکاری در جهت افزایش غنای علمی با کلیه عزیزان فعال در این عرصه را اعلام نموده و انتظار عمل متقابل از سوی دوستان را نیز دارد.

و از شما عزیزان انتظار تبلیغ سایت بهائیت در ایران را که یک سایت جامع در زمینه ارائه کتب ، مقالات ، سخنان و خاطرات متبیران از بهائیت ، تصاویر، صوت ، فیلم ،... و هر گونه سندی که در جهت افشاگری بر علیه فرقه ضاله بهائیت می باشد را دارد.

امید آنکه بتوان در جهت روشنگری اذهان مسلمین و تنویر افکار فریب خوردگان این فرقه ضاله گامهایی ارزشمند برداشت.

موفق باشید

منتظر شما هستیم

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

ارتباط با ما :

bahaismiran@bahaismiran.com

bahaismiran@gmail.com

info@bahaismiran.com

bahaism1@yahoo.com

www.bahaismiran.com

گفتگوی اختصاصی زن روز با مهناز رئوفی

یادداشت های سپید

از روزهای سیاه

در این شماره از زن روز به مصاحبه با بانوی جوان نومسلمانی پرداخته شده است که در دامن یک خانواده بهائی به دنیا آمده و پرورش یافته ولی با عنایت و لطف خداوند توانسته است مسیر آگاهی را از تاریکی به انوار خورشید دانایی طی کند. باز تاب این روشنایی در نوشته هایش برای هدایت دیگر بهائیان همچون ردپایی از حقیقت باقی مانده است.

آنچه می خوانید متن گفتگو با اوست...

-بهتره با صحبت در مورد مجالس بهائی شروع کنیم،چند روز یک بار بود وجه کارهایی

انجام می دادید؟

-هر نوزده روز یک بار،جلسه به چند بخش اداری،دعا،صندوق و پذیرایی تقسیم می شد که بخش اول

را با دعا و مناجات شروع می کردند وبعد مسائل اداری شون را مطرح می کردند وبعد کتاب می

خوندن. پیامی که از بیت العدل اومده بود قرائت می شد، دستورات لازم داده می شد، ناظم جلسه برایشون صحبت می کرد که باید چی کار کنید و وظیفتون چیه - بعد بخش صندوق بود که صندوق رو می آوردن و پولها رو جمع می کردن بعد پذیرایی مختصری می شد و همگی با هم به صورت دسته جمعی دعا می خوندند.

- این دعاها چه جوری اند و از کجا اومدن؟

- این دعاها رو پیامبرشون به اصطلاح از طرف خدا نازل کرده، بها یا عبدالبهاکه بالاخره این دعاها رو برایشون گذاشتن.

البته از ادعیه های خودمون استفاده کردن ادعیه های اسلامی رو جمع کردن، قاطی کردن و بالاخره یه چیز جدیدی درست کردن ولی یکی از دعاهاشون همین صبح قدوسن ربنا ورب الملائکه والروح که مال امام صادق است.

حلم مفرج عندالله قل سبحان الله والله. که فکر می کنم به هر حال از ادعیه های خودمون استفاده شده. خانواده ها هم چون مطالعات اسلامی ندارن متوجه این قضیه نمی شوند.

- شما از روزی که متولد شدید پدر و مادرتون بهائی بودن؟

- بله خانواده ام همه بهائی بودن.

- لطفا کمی هم در مورد حجاب بهائی ها توضیح بدهید؟

- توجلسات خاص خودشون واردهایی که دارند تمام کمیسیون هایی که می گذارند برای جوانان، نوجوانان جنگ هنر و جنگ های مختلف دارند. هیچگونه حجابی رعایت نمی شود روسری ها رو برمی دارن، بلوز و دامن می پوشند، آستین کوتاه یا بلند باشه مهم نیست ولی به هر حال حجاب در آنها اصلا وجود ندارد.

– شما با چه انگیزه ای کتاب ها را نوشتین، خودتون واقعا احساس نیاز می کنید یا چیزی

شما رو تشویق می کنه؟

– من در واقع از اول به دنبال روشنگری وافشاگری بودم. نشان دادن حقایقی که پشت پرده است. به

همه آنهایی که در جامعه بهائیت و جامعه مسلمین هستند و بفهمونم چه دست هایی پشت قضیه پنهان

است که شاید خودبهائی ها هم نمی دونند.

کتاب اولم «چرا مسلمان شدم» بود. بارویکرد نقد بر بهائیت، ولی چون کتابهایی که بهائیت را نقد

کردند زیاد بود من روندم رو عوض کردم، نامه ای به برادرم نوشتم با عنوان «چرا مسلمان شدم» که

چاپ شد.

البته باید عنوانش را می گذاشتم: «چرا از بهائیت برگشتم». چون دلیل مسلمان شدن و بازگشتم را

نوشتم.

«نامه ای برای برادرم» کتاب دوم بود و نامه ای بود که

برای برادرم نوشته بودم و انتقادهایی که از بهائیت

داشتم، درست اونم مثل کتاب «چرا مسلمان شدم» فلسفی

بود و مسائل واحکام و اعتقادات بهائی را زیر سؤال برده

بود.

– برادرتون هم بهائی هستند؟

– بله، بعد جواب که نگرفتم، تصمیم گرفتم نامه روبه

شکل جزوه منتشر کنم، که این کارو کردم. «نامه ای برای



گفتگوی اختصاصی زن روز با مهناز نوبی
فصل دوم

پایه های مسیحیت
زن روز

بیمبر بود. مطمئناً وقت شما با اینکه چالش ها بر خود می کنید و هیچ شاخه ای هم از بهائیت ندارید بهر حال فریب خواهید خورد. خصوصاً که خود بهایی ها ... حساب عیار با بهائیان امامان قبول ندارند و گویند بهائیان از امامان است. آنها واقعاً خودشان هم در ادعای ایشان هم قول و هم فکر نیستند و مشکلات زیادی دارند. البته بهائیان چند دستکی ها افراد را به چالش شان دعوت می کنند و کتاب های خود را به خود آنها می دهند. یا همه کسانی که بهائیت را وارد می شوند بتاریخ و خو و روان شناسی شخصی و اخلاقی خود آن فرد برخورد می کنند.

۴ با این حساب کار شما کاملاً تخصصی است؟

– بله، خیلی تخصصی کار می کنند. برای صحبت کردن و گفتار عقاید برای هر فرقه ای درویدند. که معمولاً به رادرفرن افراد از فرقه های مختلف دوره های خاصی دارد. که یک مبلغ باید با آن آشنا باشد. معمولاً از سنن کوچک و بویا مسلمانگی بر روی افراد کار می کنند تا هنگامی که بهائیان را می شناسد. در آن زمان به یک مبلغ فعال بالکنرو و خود کار تبدیل شده اند که می توانند با هر فرد دینار و زوگ های فردی و اخلاقی خودش صحبت کنند. بهائو که حتی اگر فرد بگوید که اصلاً مسلمان نیستند و مسیحی است و دین اسلام را قبول کنند. آنها در ابتدا دین اسلام را برایش وارونه توضیح می دهند و می گویند تو اصلاً کار ندانسته باشی که اسلام درست می گوید یا نه. به حرف های ما توجه کنی؟! و جالب این جاست که به خاطر ترس از مسلمان شدن افراد مسیحی به آنها نظین می کنند که

تعصب داشته باشند.

– خوب شما کلیات از این روش برای الهی تفکرات خود اقدام می کند و بعد نشان دادن در باغ سبزه و زیبا کرن سوزهای فردی و اجتماعی استفاده کردن

۴ روند تبلیغ و برقراری ارتباط های اولیه و سرانجام جذب افراد در بین بهائیان چگونه است؟

– حرفتای بهائیان از دستنویس منی اقدام می کنند. به این سبب که در نزد نسبت به اعتقادات قوی قلبی یعنی نفرت ایجاد می کنند. همچنین ذهن او را نسبت به هموطنان جامعه پیرامون و مردم کاملاً لبریز از افکار منفی کرده و همه چیز و همه کسی را در برابر او کوچک و منفی جلوه می دهند. تا آنجا که فرد می شناسد بهائیت پیدا می شود. به او می گویند هر چیزی یا که در قلبت داری. از زمان کودکی تا به حال یاد گرفته ای چه خوب چه بد. همه را دور بریز و فقط به حرف ها و استدلال ها و منطق ما گوش بده اگر بد بود قبول کنی و اگر خوب بود بپذیر. مسلم است که وقتی فرد نسبت به هیچ چیز نسبتی نداشته باشد. و بهارگری خوبی را در ذهن خود یا حرف هایی که می شود تطبیق ندهد تا خود را که هر چیز جدیدی بشنود قبول می کند. روش آنها همین است. فرد ابتدا فرد را از هویتش که دارد همی کرده و بعد هویتی را که خود می بینند دوست دارند. به از ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۵ و در اکثر بهائو می گویند فقط نسبت به اشکالات بهائیان تصعب داشته باشی.

۴ در اصل اول تعریف کنی کرده و بعد به نوبی جایگزین می کنند؟

– بله می گویند روش درست تحقیق همین است. نباید هیچ کوشش و بهائیت و منشی فکری به سراغ اندیشه جدید بروی.

۴ البته این شیوه روش برخی از روشنفکرین نیز هست که می گویند وقتی که می خواهی تحقیق کنی نباید نسبت به هیچ کدام از طرفین قضیه

برادرم، چاپ شد. بعد از اون دیدم کتابهایی برنقد بهائیت زیاده، تصمیم گرفتم در قالب دیگه ای شروع کنم.

قالب رمان رو انتخاب کردم. هم ارتباط با جوانها بیشتر می شود وهم اینکه رمان در جوامع اسلامی وغیر اسلامی زیاد بود. فقط در جامعه بهائی نبود ومن تصمیم گرفتم از این طریق عمل کنم.

- شما فکر می کردید جوان ها از این طریق بیشتر ارتباط برقرار می کنند تا با استدلال.

- دقیقا، جامعه بهائیت خود را بایک نقاب مذهبی وپوشش مذهبی نمایش می دهد ومن خواستم از طریق رمان ثابت کنم که اینها دین نیستند ویک تشکیلات حکومت می کند وسپس کتاب «مسلخ عشق» را نوشتم که در آن ثابت شده در بهائیت صحبت دین به میان نمی آید.

کتاب «مسلخ عشق» چاپ شد، بازتابش آنقدر وسیع ومهم بود که در جامعه بهائی به عناصر بهائی وپيروانشان گفته شد که این کتابها را خودش نوشته وبه جای او می نویسند وبه نام اون چاپ می کنند، در حالی که او نمی تواند این را نوشته باشد، من برای اینکه ثابت کنم نوشته ها متعلق به خودم هستند، به زندگی خودم پرداختم وکتاب «سایه شوم»، خاطرات همه زندگی خودم است. از دوران بچگی تا زمانی که امروز اینجا هستم.

- در اونجا اسم متفاوتی دارید درسته؟

- بله اسامی متفاوت است. کل اسامی را تغییر دادیم.

- کل اسامی رو تغییر دادید وگرنه اون زمان هم اسم شما مهناز بوده؟

- بله اسم من مهنازه. خواستم اسم اسلامی برای خودم انتخاب کنم. تصمیم گرفتم اسمم را عوض کنم. زهرا سادات رستگاری روانتخاب کرده بودم.

وقتی رفتم ثبت احوال و گفتم که می خواهم اسمم را عوض کنم گفتند که اسم شما غیر مذهبی نیست که بخواهید عوض بشود. به هر حال به همین صورت ماند و علی رغم تغییر اسامی در این کتاب، تمام حوادث واقعیت دارند کل کتاب مبتنی بر واقعیت است و کتاب «سایه شوم» را کس دیگری جای من نمی نویسد. کس دیگری به جای من حرف نمی زند.

بارها و بارها به همایشه ها و سمینارهای مختلف دعوت شدم. به دانشگاهها و مساجد و مدارس رفتم، سخنرانی کردم، با نشریه های متفاوت، روزنامه ها و مجلات مصاحبه هایی داشتم. فریاد می کشیدم که این منم مهناز رثوفی، دارم صحبت می کنم.

ولی یک عده از بهائی ها می گویند مهناز رثوفی که قبلا بهائی بوده اصلا وجود نداشته و کاملا ساختگی است.

– در واقع صورت مسئله رو پاک کردند که به نحوی از پس جواب دادن بر بیایند؟

– بله، خوب شایعات زیاده، بین خود بهائی ها و به تعداد شهرها و به تعداد بهائی ها که در اون شهر وجود دارند افکارشان در مورد من متفاوت است.

هر جایی به نسبت شهر خودشان، مثلا در یزد یا مشهد و یاجاهای دیگر در مورد من اطلاعات خاصی ندارند. تشکیلات اطلاعات مختصری در مورد من می دهد و شایعاتی پخش می کند که این شایعات در هر شهری متفاوت است.

– وقتی که کتابتون چاپ شد خصوصا «سایه شوم»، عکس العمل خانواده تون چطور بود؟

– رابطه من با خانواده ام قطع شده بود. تا این که کتاب «سایه شوم» چاپ شد.

به خاطر بازتاب وسیعی که داشت از طرف تشکیلات اجازه داده شد که خانواده با من رفت و آمد داشته باشند، به این دلیل که فکر می کردند من هر چقدر تنها تر باشم با فراغ بال بیشتری با بهائیت ضدیت می کنم برای همین خانواده ام تشویق به ارتباط با من شدند.

–بازتاب «سایه شوم» چگونه بود؟

–بازتاب کتاب «سایه شوم» در جامعه اسلامی خیلی خوب بود. خیلی از خانواده های بهائی برای من نامه نوشتند و اصرار کردند که با من ارتباط برقرار کنند. وقتی باهاشون ارتباط برقرار کردم متوجه شدم بهائی هایی هستند که از بهائیت برگشتند ولی جرئت بیان و ابراز عقیده را ندارند. فقط دوست دارند یک رابطه با من برقرار کنند که من را در کنارشان داشته باشند.

–در واقع یک پشتیبان و یک قوت قلب می خواستند؟

–بله، می پرسیدند شما چی کار کردید؟ چگونه می توانید آنقدر شجاعت داشته باشید؟ چگونه می توانید به همه چیز از جمله خانواده، تشکیلات و اقوام پشت پا بزنید؟ همه اینها بر روی فرد تاثیر می گذارد. معمولاً افراد جرئت ابراز عقیده را ندارند.

بعضی ها سعی می کنند بین خانواده خودشون ابراز کنند حتی اگر نخواهند در جامعه بیان شود و به شکلی که من برخورد کردم برخورد کنند. ولی فعلاً هیچ کدام نتوانستند ابراز کنند. ولی خیلی ها هستند، من از اصفهان و تهران نامه های زیادی داشتم.

–مهم این است که خودشون هم به یک باورهایی رسیده اند که راهی که در پیش گرفته اند اشتباه است. البته طی کردن این مسیر بسیار سخت است.

–بله، خیلی سخت است.

من همیشه توصیه ام به آنها وهمه کسانی که حقیقت را می فهمند وروی آن را می پوشانند این است که حقیقت وجودی خودمان چه علتی داشته؟ برای چه به وجود آمده ایم؟ برای این به وجود آمده ایم که به خدا برسیم. به هر حال قصد خدا از بوجود آمدن ما این بوده که او را بشناسیم و به خدا برسیم. معرفت خدا یعنی کمال آدمیت. به نظر من هدف خیلی مهم است و باید هدف داشته باشیم و غایی ترین و بالاترین هدف، رسیدن به خدا و کمال انسانیت است.

– از جانب بهائی ها تهدید نمی شدید؟ بخواهند برایتان مزاحمت ایجاد کنند؟

– شهرهای مختلف فرق می کند.

– شما سنج بودید؟

– من نه، همدان هستم.

– قبل از مسلمانی هم همدان بودید؟

– بله- از زمانی که مسلمان شدم همدان هستم. در همدان افراد با ضد بهائی ها کاری ندارند. شهرهایی مثل شیراز و یزد جایی هستند که متعصبین آنجا فعال هستند. یکی دوبار که برای سخنرانی رفتم، هم در یزد و هم شیراز، اعتراضاتی کردند. البته من مشکلی در همدان ندارم. اذیت نمی کنند. و مردم همیشه مشوق من بوده اند و آنقدر محبت و مکاتبات هست که ناملایمات اصلا به چشم نمی آید.

کلا بهائی ها در حکومت اسلامی با توجه به از بین رفتن حامیان آن ها در رژیم پهلوی نمی توانند مثل سابق کسانی را که به حقانیت اسلام پی می برند را اذیت یا تهدید کنند و زور بگویند.

– همیشه برای من سؤال بود که بعد از چاپ کتابتان در چه شرایطی زندگی می کنید؟

– به هر حال خطراتی هست. داشتیم کسانی را که سراغشان رفتند و با چاقو آنها را تهدید کردند.

-زمانی ممکن است یک بهائی در محیط خانه اش مسلمان شود واصلاً کاری به کسی نداشته باشد ولی

در مورد شما این اتفاق نیفتاد.

شما در این کتاب می نویسید چه اتفاقاتی افتاده است. یعنی دارید بر ضد اونها فعالیت می کنید که

این باعث تحریکشان می شود.

-خب از من خیلی عصبانی هستند.از گوشه

و کنار می شوم.حتی حاضر نیستند اسم من را

هم بشنوند.یعنی هر جایی که صحبت از من

باشد با نفرین و فحش همراه است.ولی خب

معمولا هم از جمهوری اسلامی می ترسند وهم

به قول خودشان تشکیلات اجازه برخورد

فیزیکی یا من را نمی دهد.

اعتماد به اعتمادشان به رویه های سیه از رویه های سبز صفحه ۷

کتابهای آن ها در حکومت اسلامی با توجه به از بین رفتن نظایر آن ها در رژیم پهلوی می تواند مثل سابق کسانی را که بهائیت اسلامی می برد را آذیت یا تهدید کند و زور بگیرد.

همیشه برای من سوال بود که بعد از چاپ کتابتان در چه شرایطی زندگی می کنید؟

- به هر حال شرایط خوبی هستند. دانشم کسانی را که سرانجام رفته و با چاقو آنها را زود کرد.

زمانی ممکن است یک بهائی در محیط خانه اش مسلمان شود واصلاً کاری به کسی نداشته باشد ولی در مورد شما این اتفاق نیفتاد.

شما در این کتاب می نویسید چه اتفاقاتی افتاده است یعنی دارید بر ضد اونها فعالیت می کنید که این باعث تحریکشان می شود.

- خب از من خیلی عصبانی هستند. از گوشه و کنار می شوم. حتی حاضر نیستند اسم من را هم بشنوند. یعنی هر جایی که صحبت از من باشد با نفرین و فحش همراه است. ولی خب معمولا هم از جمهوری اسلامی می ترسند و هم به قول خودشان تشکیلات اجازه برخورد فیزیکی با من را نمی دهد.

اگر جمهوری اسلامی نبود، من را از بین می بردند. الان - لاجنای هست که دارند محکم می کنند. بعد از مشاهده بین بهائیان دوستانی را پیدا کردم که بهائیت برگشته و بر این منقلب و خیر می آورند.

چه جالب، شما از طریق این کانالها می فهمید که آنجا چه خبر است پس باید به شما اعتماد کامل داشته باشم؟

- بله اعتمادشان به من باعث می شود از وضعیت جامعه بر این خبر بیابم.

این گروه از چه سنینی تشکیل شده اند؟

- معمولا جوان و تحصیل کرده هستند. یکیشان از آنها است که تشکیلات کوش کرده بعد از گذر از رفته و در شهرها را زود می کنند.

نوی دانشگاه گفته من مسلمانم؟

- بله خیلی واضح بودی دارد مسلمان شد.

خانم خوشه؟

- بله. خیلی مشکل دار. خانواده یا او برخورد بدی دارد. فعالیت نمی کند به صورت خطی من از اینها دارد. البته او هم اگر بخواند کتابهای من مشتاق شده که کارهای انجام دهد.

می گوید بعد از اینکه کتاب شما را خواندم با خودم گفتیم پس کسی هستند که کارهای ما را می شنود پس می شود جاسارت

جامعه بهائیت خود را با یک تقاب مذهبی و پوششی مذهبی نمایش می دهد و من خواستم از طریق همان ثابت کنم که اینها دین نیستند و یک تشکیلات حکومت می کند و سپس کتاب مسلخ عشق را نوشتم که در این ثابت شده در بهائیت صحبت دین به میان نمی آید.

بعضی از کتاب های خانم زونلی: **مسلخ عشق، فریب، سایه شوم، نامهای به برادرم**

زمانی از من شد. بازتاب خوب داشت و منوجه شد که عده زیادی هم مورد فریب بهائیان قرار گرفته اند. خطرها تا مرز بهائیت رفته بودند. یک خانواده کلا بهائی شده بودند. در مشهد یک خانواده هشت سال تشکیلات بر روی آنها کار کرده بود. دخترشان کلا بهین را می خواند و منوجه می شود که چاشناهی کرده بر این نامه نوشت. من به دیدن رفتم با هم قرار گذاشتم. منوجه شد که اشتباه کرده اند. آن به طور کلی برگشته اند و رابطه شان را با تشکیلات قطع کردند. ولی آنها همچنان در ایشان هستند چون هشت سال حجت کشیدند و الان یک دهه همه در جانشان به یاد رفتیم. تصمیم دارند هر طوری که شده آنها را بدست بیاورند.

چه کسی دارید وقتی خانواده ای به خاطر حرفهای شما و کتابهای شما بر روی شما ترمیم گرفتند؟

- فشار شده می شوم. به خود خفا فقط احساس کوچکی می کنم که خیلی با این توفیق بزرگ را بهمن ندانی. بعضی سئوالمی که گفتم می شنود.

مثلا در یکی ها خانم می گوید بود می گفت من می خواهم با یکسری بهائیان ازدواج کنم.

مسلمان بود؟

جده مسلمان بود. می گفت می خواهم با یک پسر بهائی ازدواج کنم بعد با سرعت فرود آمدنش تماس گرفتم شماره تلفن خودم را دادم.

تماس گرفت و خانم را متصرف کردم. او به من پناه آورد و من گفتم این کار را نکن چون ولعاً خودت و یک نسلی را از بین می برد.

خانم چند سالی بود؟

- بیست و چهار سال کتابهای من خوانده بود. کتابهای دیده دیگران هم برایش فرستادم که کلا با بهائیت اشتباه پیدا کند که منوجه چه کار می کند و به کجا می رود. ولی چون پسر موافقت نمی کرد در آخر راه اعمال کرده است.

در واقع شرایط ظاهری خوبی دارد؟

- شرایط ظاهری خیلی خوب دارد خصوصا که بهائیان خیلی همتا هم نیستند این که حالت دین دار دارد و می گوید چون خیلی بهائی منصفی نیستن شاید بتوانم با او زندگی کنم و او برگرداند.

بین بهائیان با نظری نیست که اگر مثلا یک دختر مسلمان بخواهد با یک بهائی ازدواج نماید آن دختر بهائی بشود؟

- نه. ولی عملا این اتفاق می افتد. بهائیان آنقدر

عده ای بشوند چون این به بینه جرات می دهد.

- بله از ترس و اضطراب خارج می شوند. در بهائیت اعتقاد دارند هر کسی از دین خارج شود، مساوی با ترک فرقه و ترک خدا است و معاصی و مشکلات فراوان بر او نازل می شود.

دایه حالا بهائیان می بینند من نوزده سال است کار می کنم و هیچ اتفاقی نیفتاده است و این خیلی برای آنها جای سوال دارد.

خانم الان نوزده سال است مسلمان شده ای؟

- بله.

جامه به اصطلاح مسلمانها را گذاشتن. نگاه شد.

اگر جمهوری اسلامی نبود ،من را از بین می بردند. الان ملاحظاتی هست که دارند تحمل می کنند. بعد

از «سایه شوم» بین بهائیان دوستانی را پیدا کردم که از بهائیت برگشتند و برای من مطلب و خبر می

آورند.

-چه جالب. شما از طریق این کانالها می فهمید که آنجا چه خبر است. پس باید به شما

اعتماد کامل داشته باشند؟

-بله، اعتمادشان به من باعث می شود از وضعیت جامعه برایم خبر بیاورند.

-این گروه از چه سنینی تشکیل شده اند؟

-معمولا جوان و تحصیل کرده هستند. یکیشان از آنهایی است که به تشکیلات گوش نکرده، به دانشگاه رفته، دکتر شده و همه خانواده اش بهائی هستند.

-توی دانشگاه گفته من مسلمانم؟

-بله خیلی وضع بدی دارد، مسلمان شده.

-خانم هستند؟

-بله، خیلی مشکل دارد، خانواده با او برخورد بدی دارند. فعالیت هم نمی کند به صورت مخفیانه با من ارتباط دارد. البته او هم در اثر خواندن کتاب های من مشتاق شده که کارهایی انجام بدهد.

می گوید بعد از اینکه کتاب شما را خواندم با خودم گفتم پس کسانی هستند که کارهایی بکنند پس می شود جسارت پیدا کرد و تصمیمات جدی گرفت.

-پس برای همین است که مسئولین تشکیلات نمی خواهند اعضای تشکیلات متوجه بازگشت یک عده ای بشوند چون این به بقیه جرات می دهد.

-بله، از ترس واضطراب خارج می شوند. در بهائیت اعتقاد دارند هر کسی از دین خارج شود، مساوی با ترک فرقه و ترک خدا است و مصائب و مشکلات فراوان بر او نازل می شود.

ولی حالا بهائی ها می بینند من دوازده سال است کار می کنم و هیچ اتفاقی نیفتاده است! و این خیلی برای آنها جای سؤال دارد.

-شما الان دوازده سال است مسلمان شده اید؟

-بله

-راجع به استقبال مسلمانها از کتابتان بگویید.

-فروش زیادی داشت.«سایه شوم» در عرض چند ماه هشت بار چاپ شد. خوانندگان زیادی پیدا کرد. دعوت های زیادی از من شد.

بازتاب خوبی داشت و متوجه شدم که عده ی زیادی هم مورد بهائیان قرار گرفته اند. خیلی ها تا مرز بهائیت رفته بودند. یک خانواده کلا بهائی شده بودند.

در مشهد یک خانواده هشت سال تشکیلات بر روی آنها کار کرده بود. دخترشان کتاب من را می خواند و متوجه می شود که چه اشتباهی کرده، برای من نامه نوشت. من به دیدنش رفتم، با هم قرار گذاشتیم، متوجه شدند که اشتباه کردند. الان به طور کلی برگشته اند و رابطه شان را با تشکیلات قطع کردند. ولی آنها همچنان دنبالشان هستند. چون هشت سال زحمت کشیدند و الان یک دفعه همه زحماتشان به باد رفته، تصمیم دارند هر طوری که شده آنها را به دست بیاورند.

-چه حسی دارید وقتی خانواده ای به خاطر حرفهای شما و کتابهای شما برمی گردند؟

-فقط شرمنده می شوم. به خدا قسم فقط احساس کوچکی می کنم که خدا یا تو این توفیق بزرگ را به من دادی. یعنی مسئولیت سنگین می شود.

مثلا تازگی ها خانمی تماس گرفته بود می گفت: «من می خواهم با یک پسر بهائی ازدواج کنم.

-مسلمان بود؟

-بله، مسلمان بود. می گفت می خواهم با یک پسر بهائی ازدواج کنم. بعد با سرعت رفتم دنبالش، تماس گرفتم. شماره تلفن خودم را دادم.

تماس گرفتم و خانم را منصرف کردم. او به من پناه آورده بود و من گفتم این کار را نکن چون واقعا خودت و یک نسلی را از بین می بری.

-خانم چند ساله بود؟

-بیست و چهار سال. کتابهای منو خونده بود- کتابهای ردیه دیگه ای هم براش فرستادم که کاملا با بهائیت آشنائی پیدا کند که متوجه بشود چه کار می کند و به کجا می رود. ولی چون پسر موقعیت خوبی دارد دختر را اغفال کرده است.

-در واقع شرایط ظاهری خوبی دارد؟

-شرایط ظاهری خیلی خوبی دارد خصوصا اینکه بهائی خیلی فعالی هم نیست. بعد این که حالت بی دین را دارد و می گوید چون خیلی بهائی متعصبی نیست من شاید بتوانم با او زندگی کنم و او را برگردانم.

-بین بهائی ها اینطوری نیست که اگر مثلا یک دختر مسلمان بخواهد با یک بهائی

ازدواج کند باید آن دختر بهائی بشود؟

-نه، ولی عملا این اتفاق می افتد. بهائی ها آنقدر دوره اش می کنند تا بهائی شود.

* * *

www.bahaismiran.com



منتظر شما هستیم

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

ارتباط با ما :

bahaismiran@bahaismiran.com

bahaismiran@gmail.com

info@bahaismiran.com

bahaism1@yahoo.com

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, if you can print from a windows application you can use pdfMachine.

Get yours now!